

خانه‌های امن از واقعیت تا توانمندی زنان



مونیکا نادى
فعال اجتماعى

خشونت خانگی یکی از انواع آسیب‌های اجتماعی است که به تجربه انواع خشونت فیزیکی و جسمی، جنسی، روانی، محدودیت‌ها و محرومیت‌ها در خانه منتهی می‌شود. دوران کرونا

ابعد جدیدی از خشونت خانگی را در جامعه آشکار کرد. اما راه از افزایش خشونت خانگی در این دوران نیست. خشونت‌هایی که ناآگاهی خانواده‌ها در تاب‌آوری در کنار یکدیگر در شرایط خاص را آشکار می‌سازد. پیامدهای گسترده تداوم خشونت در خانواده بر همگان آشکار است. آثار نامطلوب این نوع خشونت بر جامعه نیز مثل هر آسیب اجتماعی دیگری قابل پیش‌بینی است. مهم‌تر از آن ناآگاهی قربانیان از چگونگی مواجهه با این آسیب است. جدایی موقت خشونت‌گرو قربانی مسکن کارآمدی است که در بسیاری موارد به تداوم رابطه کمک می‌کند ولی خیلی از افراد نمی‌دانند در این مواقع باید چه عکس العملی نشان دهند.

خانه‌ام بن به‌عنوان امکانی برای مراجعه و اسکان موقت زنان و کودکان تحت خشونت چند سالی است که پیش‌بینی و تأسیس شده است؛ البته همچنان خیلی از افراد حتی اسم خانه‌های امن را نیز نشنیده‌اند. خانه‌های امن که اقامتی امن را برای زنان فراهم می‌کند تا از تداوم حضور زن در محیط پر خشونت بکاهد؛ ولی در اینکه تا چه حد از وجود چنین خانه‌هایی و چگونگی پذیرش در آن آگاهی وجود دارد، تردیدهای جدی وجود دارد. انگار هنوز عزم دیگری برای معرفی این خانه‌ها وجود ندارد و از طرف دیگر فرهنگ مراجعه زنان خشونت‌دیده به چنین مراکزی نیز همچنان در جامعه درونی نشده است. بعضی از زنان در سکوت و بدون آگاهی از خشونت در نقش قربانی فرو می‌روند و حاضر به ترک خانه و محیط خشونت‌نازبانستند و جامعه نیز آنان را از ترک خانه خونی به‌صورت مطلق منع نمی‌کند در حالی که این موضوع و تداوم باقی ماندن در شرایط خشونت‌آلود به طول یک زمان مشخص، برگشت به زندگی عادی و اسکان در خانواده دشوارتر می‌کند و آسیب‌های روانی بیشتری و بعضاً آسیب‌های جسمی غیرقابل برگشتی را تا تحمیل می‌کند که می‌تواند بنیاد خانواده را برای همشکن از بن براند.

پیش‌بینی خانه‌ام به‌عنوان مکانی برای حضور زنان آسیب‌دیده اقدام مطلوبی ارزیابی می‌شود. امکان‌های حمایتی روانی، درمانی و حقوقی در مکانی‌های امن به‌زنان آسیب‌دیده ارائه‌شده و زنان به سمت توانمندسازی و درامور مالی پیش‌روند و شرایط جسمی و روحی بهتری را تجربه‌کنند، مسیری قابل اعتماد است. اما از طرف دیگر پذیرش و ورود به این خانه‌های امن دشوار است و نه تنها اطلاع‌رسانی صحیحی در مورد آن وجود ندارد، بلکه تعداد خانه‌های موجود هیچ‌چنین مطابقتی با آمار خشونت خانگی و تعداد قربانیان ندارد. خانه‌های امن که ورود به آنها نیز تابع قواعد پیچیده و تأیید مقام قضایی است و تنها تعداد محدودی از زنان را برای مدت معین می‌پذیرند. بنابراین تعداد زیادی از زنان از پذیرش در خانه‌های امن بازمی‌مانند. گسترش تعداد خانه‌های امن به‌عنوان ابزاری برای درمان موقت خشونت خانگی کمک به حفظ و حمایت از بنیاد خانواده می‌کند. از سوی دیگر هنوز تا وضعیت مطلوب ارائه خدمات در خانه‌های امن که منجر به توانمندسازی زنان در بازگشت به خانه و خانواده شود و عمل تداوم خشونت در خانه را درمان کند فاصله زیادی داریم. کمبود امکانات و بودجه شاید اولین دلیل باشد. اما در کنار آن فعالیت در خانه‌ها من با پیچیدگی‌های بسیاری از حیث ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان در شرایط ویژه و روبرو است و لازم است برنامه‌ریزی و خدمات پزشکی، روان‌شناسی و حقوقی ارائه‌شده از کیفیت ممتازی برخوردار باشد. زمانی که به خانه‌های امن پناه می‌آورند اغلب در شرایط جسمی و روحی نامناسبی هستند و فرزندان آنها نیز تجربه متفاوتی از زندگی داشته‌اند که همه اینها لزوم بهره‌مندی از تخصص در ارائه‌دهندگان خدمات را افزایش می‌دهد.

افزایش تعداد خانه‌های امن، گسترش آگاهی‌رسانی و تمرکز بر خصوص وجود این خانه‌ها، فراهم آوردن امکان دسترسی آسان و سریع زنان به خانه‌ها، افزایش کیفیت ارائه خدمات تخصصی و تمرکز در مقابله با عوامل وجود خشونت در خانه می‌تواند به کارآمد کردن چرخه مقابله با خشونت خانگی و کاهش آن در جامعه کمک کند.

چشمان مشکي درشت، دستمالی
سفيد رنگ در دست دارد و وقتی
می خواهد بنشیند برای صندلی را
نمیز می کند. متوجه نگاه عجیب و
غریب می شود: «خانم من وسواس
دارم.» نشانه های این وسواس در
دستش هم خودنمایی می کند.
دستان چروکیده و مجاله شده .
سهیلا راوی این روایت است.
تند تند با کلمات بازی می کند.
او تا همین چند سال پیش با
خانوادهاش زندگی می کرد تا اینکه
پدر و مادر از دست می دهد.
و به خانه خواهرانش می رود.
سهیلا فقط دو خواهر دارد و چند
خواهرزاده.

زندگی در خانه خواهران هم
سختی‌های خاص خود را داشت.
گوشت و کنایه شوخ‌خواری و درگیری
با خواهرزاده‌ها اماشن را برپیده بود.
نه جایی داشت که برود نه کسی که
بی او زندگی کند. در نتیجه تصمیم
می‌گیرد ازدواج کند: «زمان مباران»
ترسیدم همین ترسم به شکل
سوساوسا... همه جا باید تمیز
کنم اصلاً نمی‌توانم با کسی ارتباط
برقرار کنم. خانه و زندگی تمیز
بود. با آدم‌های غریبه معاشرت
نمی‌کردم و نمی‌کنم. تا اینکه پدر
و مادرم رفتند و من ی‌کس شدم.
چند سال پیش خواهرانم و
دوستانم گفتند که ازدواج کنم. تا
اینکه خواستگاری پیدا شد و در سال
۵۰ سالگی با یک پسر ۷۰ ساله
ازدواج کردم. از پدری ازدواج‌م
مشکلاتم شروع شد. آقا معتاد
بود و جلوی من مواد مصرف
می‌کرد؛ اعصاب هم نداشتم و
همیشه بحث می‌کرد؛ تا حرفی
می‌زد هم چپ جلوی دستش
بود به سمتم پرت می‌کرد. سفره
را بلند می‌کرد و غذا را روی زمین
می‌ریخت. هر کم که می‌فهمید که از

تابلور ایستگاه

خانم جمالی سعی می‌کند محبوبه را آرام کند و می‌گوید «تا جایی برایت پیدا نکنیم بجازه نمی‌دهیم از اینجا خارج شوی.» اما حقیقتش این است: «ما طبق آیین‌نامه ۱ تا ۶ ماه فرصت داریم که خانم‌هایی را که از هر طریقی به ما ارجاع شدند تحت پوشش قرار دهیم. در هر صورت تا زمانی که شرایط ایمن فراهم نشود اجازه خروج نمی‌دهیم ما زنان را در این مدت توانمند می‌کنیم. محبوبه نگران است، همیشه هم نگران است ما بارها گفته‌ایم که زانی مثل محبوبه را جایی نمی‌فرستیم و برایشان حتما کاری انجام می‌دهیم.»



از شکستن حریم‌های اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه وجود داشته باشد تا زن خشونت دیده بتواند با اعتماد و به کمک مددکاران «خانه امن» طراحی شده، خشونت‌های خانوادگی مرتفع شود و فرد بزه دیده با اطمینان خاطر به خانواده و به جامعه خود بازگردد.

وجود و الزام به ایجاد «خانه امن» یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر امروز جامعه ماست و این خانه زمانی امن است که مؤلفه‌های روانشناختی تخصصی و مددکاری تخصصی جهت انتقال زن بزه

شرایط سخت را بیشتر تحمل کرده یا بیشتر بپذیرند و همین امر موجب شده است آنها به‌عنوان اولین قربانیان خشونت محسوب شوند.

لذا یکی از برنامه‌های جدی جهت رفع آسیب زاننی که در معرض این خشونت‌ها قرار می‌گیرند، نیاز به مکان امن برای پناه بردن است که در اختیار داشته باشند. مکانی که بتواند جوابگوی افزایش سلامت روانی و جسمانی، تجهیز بساطت به ابزار و روش‌های مقابله با فشارهای محیطی و روانی خانواده، کاهش شوک‌خشی و در نهایت جلوگیری

آستانه تحریک جوانان... از مهم‌ترین عوامل مؤثر و معنادار در بروز انواع خشونت علیه زنان باشد و مسائلی چون مشکلات اقتصادی و شواهد اقتصادی، شرایط دشوار زندگی، نارضایتی زوجین از یکدیگر، خیانت و... نهاد خانواده را نسبت به گذشته شکننده کرده است.

در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها جهت حفظ آبرو و برداری، ترس از طلاق، ترس از انگ اجتماعی، ترس از فشار اجتماعی و ترس از سرنش‌های نزدیکان، آشنایان و افراد جامعه (بویژه زنان نسبت به مردان) را مجبور کرده تا

به‌طور طبیعی خشونت‌ها و آزارها ناروایی که باشند در تمام جهان، جملات در کشور ما وجود دارد. مهمانان در سراسر جهان همچنین کشور ما نشان می‌دهد خشونت علیه زنان نسبت به مردان در رتبه بالاتری قرار دارد. به نظر می‌رسد هنوز هم نگرش مردسالارانه، تجربه و مشاهده خشونت، نظام اجتماعی سنتی و نبود منابع قدرت، تعصب قومی، جنسیتی، پایان‌یافتن بون سطح سواد، اعتیاد، بیکاری، نابرابری جنسیتی، سوءتفاهم، شکلات اقتصادی فقر معیشتی، فقر فرهنگی و پایین آمدن

از آن آسیب هیچ جایی برای گذران زندگی نداشتند و از سوزی دیگر نمی‌خواستند ب یک مکان دیگر به‌طور مشترک در یک مکان زندگی کنند. اوطولیان زندگی موقت در «خانه‌های امن» محسوب می‌شوند. مطابق با دستورالعمل سازمان بهزیستی از چند روز تا یک ماه می‌توانند در «خانه امن» زندگی کنند و اگر تیم تخصصی تشخیص دهد که شرایط برای بازگشت این فرد به خانواده فراهم نیست و ممکن است منجر به همراه فرزند، آسیب جسمی و روانی نداشته باشند، دوره تمدید خواهد شد.

ما را به خانه امن آوردند. ساعت یک شب بود که پذیرش شدم. اگر اینجا نبود نمی دانم چه باید می کردم. نه پولی دارم و نه کسی که به خانه اش بروم.»

«می‌دانید کارد به استخوانش رسیده یعنی چه؟» این جمله خانم جمالی است: «برخی می‌گویند خانه‌های امن موجب می‌شوند تا خانم‌ها از خانه فراری شوند. اما دقت کنید اگر اینجا نبود امثال مریم کجا باید می‌رفتند؟! یک آقا اگر یک شب بیرون از منزل بماند ممکن

است هیچ اتفاقی برایش نیفت. ممکن است در آستانگاه انوشیروان یک پارک شب را تا صبح بگذرانند اما شما فرض کنید که یک خانم بخواهد یک شب در پارک بماند چه اتفاقی برایش می افتد؟! اینجا فقط یک سرپناه است برای پیشگیری از آسیب های که یک فرد را تهدید می کند. ما فقط یک سرپناه هستیم برای آن دسته از خانم هایی که تحت خشونت هستند. در همین محدوده خودمان هم خانم هایی که تحت خشونت هستند به اینجا می آیند. نمی توانند در خانه بمانند و ما به می گویند اجازه دهیم شب را تا صبح در اینجا خانه ما باشیم. به نظر شما نباید خانم را بپذیریم باید در خیابان رها شوئند؟ در سطح شهره برایشان چه اتفاقی می افتد؟

■ **وسواس در زندگی**
حرفمان که با مریم تمام می‌شود، سهیلا از راه می‌رسد. زنی با اخم‌های درهم، قامتی بلند و

■ وسواس در زندگی

حرفمان که با مریم تمام می‌شود، سهیلا از راه می‌رسد. زنی با اخم‌های درهم، قامتی بلند و

«میاں»

چند ماهی گذشت تا پدرش فهیمه را به دخترش غیالی طلاق گرفته و زن دیگری دیگبر شده: «بابا با داد و فریاد وارد خانه‌مان شد. یک داس دستش را به من خواست من را بکشد. اما من خود می‌چرا پاردن اجازه من ازدواج ردی می‌چرا با موافقش ازدواج کردی؟ من حامله بودم. به شوهر خواهرم می‌گفتی محمد برو کنار می‌خواهم. من دختر را بکشم. چند ماهی من روم ندان و آخرش دست‌ها و زنم ضایع می‌دهند و بیرون می‌آیم.

آن روز از ترسم حرفی نزدم و سایلم را جمع کردم و رفتم خانه پدرم. ۵۰ روز بودم و فرار کردم به هرات آمدم. داشتم از خانه پدرم بیرون می‌رفتم که مادرم وسط حیاط ه کشید و گفت الهی روز خوش نبینی. آن روز تمام روز هلم ساه شد.»

اعتقاد مهرداد از روز به روز بدتر می شد. اما مریم دوستش داشت. سال‌ها با کمک او بود که در حد جنون مریم را می زد و می کوبد و می شد اما باز بلند می شد. دخترش را بغل می کرد. مادرش را به زندگی را می خواست جایی باشد که او و دخترش زندگی کنند. دلش کاری می خواست که بتواند سقفی برای نبودش دست و پا کند: «هر شب کمک می خورد اما اینکه یک ماه پیش آنقدر تنگ می شد که تقریباً بیهوش شده بود گفت سراغ هدیه که او را بزند. موهایش کشید و پرتاش کرد گوشه اتاق. چرا که داخل کرد. اما مواد مخدرش را چنان اداخته بودم، دوباره حمله کرد و مرا زخمی بیرون. همسایه ها به دادمان رسیدند به پلیس زنگ زدند و آنها هم

که هم بفروش و هم بکشی زندگی را از همین راه می چرخاند. حالیش نبود. تلاهایی را که از خانه پدرم آورده بودم فروخت تا همه را خرج مواد کرد. چند باری قهر کردم رفتن خانه پدرم. اما نتایج هم آرامش نداشتیم. این آخرهای زندگیمان چند باری دستگیر شد من هم در دادگاه بداندیش بودم گریه و زاری کردم تا آزادش کنم. ۱۱ سال تحمل کردم جانم به لبم رسید دیگر نتوانستیم. در آخرین دستگیری اش ۵ سال حکم گرفت و من هم غیابی و بدون اطلاع پدرم طلاق گرفتم و دختر اولم هم رفت خانه مادربزرگش.»

مریم همان روزهایی که درگیر طلاقش بود با همسر دومش آشنا می‌شود. مهرباد زن داشت و مریم عاشقش شده بود: «به من گفته بود با زنم مشکل دارم و می‌خوام طلاقش بدم.» مریم هر چه را که در همسر اولش ندیده بود در مهرباد می‌دید: آن زندگی مشترک روزیایی، بدون مواد و کدکاری، آرامش و سفرو گشت و گذار، دل خوش کرده به حرف‌های مهرباد و زن صبیغه‌اش شد. هرچقدر که از همسر اولش بدش می‌آمد مهرباد را دوست داشت. زن عقدی‌اش می‌شود و مهرباد دو اوراق در حاشیه شهر گرایه می‌کند و آنها زندگی مشترکشان را شروع می‌کنند، اما روزهای خوش این زندگی هم فقط چند ماه بود: «مهرباد درگیر اعتیاد بود اما قوه داد بود ترک کند. ترک که نکرد هیچ بدتر هم شده بود. هرچه داشتیم فروخت و مواد خرید تا خرید و فروشش کند. گریه می‌کردم تنی‌ا کار را نکن می‌گفت من ز رنگم مشکلی پیش

این راستا قدم‌های خوبی برداشته شود
درغیر این صورت افراد غیر متخصص
در فضای مجازی از طرق مختلف
رازنه آگاهکاری غیراصولی و غیرعلمی
می‌توانند اثرات مخربی بر اندیشه و
بینش زنان جامعه ما داشته باشند.
بنابراین دقت، حساسیت، هوشمندی و
بنا بر این دیدگاه تگری برآمده و مسئول
موزه‌های مختلف جهت آموزش و
پیشگیری از آسیب‌ها، آگاهی و شناخت
به دختران و زنان برای داشتن یک زندگی
خوب نیاز جدی امروز و ضروری هرچه
بیشتر جامعه‌ماست.

دیده خسروتهای خانوادگی و در جهت بازگشت او به آرامش و امنیت، به آغوش خانواده و جامعه خویش را دارا باشد. راهکار «خانه امن» در ایران شاید در نگاه عامیانه متناسب با هنجارها، فرهنگها و ارزشهای جامعه ما نباشد اما در نگاه تخصصی به عنوان یکی از روشهای مقابله با آسیبها و پیشگیری از آنها تدوین شده است که جهت مقابله با این نوع از آسیب خانوادگی و اجتماعی نیازمند عزم و اراده جمعی است و نیاز است تا با همه افزایی و همگرایی دستگاههای مختلف در

از شکستن حریم‌های اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه وجود داشته باشد تا زن خشونت دیده بتواند با اعتماد و به کمک مددکاران «خانه امن» طراحی شده، خشونت‌های خانوادگی مرتفع شود و فرد بزه دیده با اطمینان خاطر به خانواده و به جامعه خود بازگردد.

وجود و الزام به ایجاد «خانه امن» یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر امروز جامعه ماست و این خانه زمانی امن است که مؤلفه‌های روانشناختی تخصصی و مددکاری تخصصی جهت انتقال زن بزه

شرایط سخت را بیشتر تحمل کرده یا بیشتر بپذیرند و همین امر موجب شده است آنها به‌عنوان اولین قربانیان خشونت محسوب شوند.

لذا یکی از برنامه‌های جدی جهت رفع آسیب زاننی که در معرض این خشونت‌ها قرار می‌گیرند، نیاز به مکان امن برای پناه بردن است که در اختیار داشته باشند. مکانی که بتواند جوابگوی افزایش سلامت روانی و جسمانی، تجهیز بساطت به ابزار و روش‌های مقابله با فشارهای محیطی و روانی خانواده، کاهش شوک‌خشی و در نهایت جلوگیری

آستانه تحریک جوانان... از مهم‌ترین عوامل مؤثر و معنادار در بروز انواع خشونت علیه زنان باشد و مسائلی چون مشکلات اقتصادی و شواهد اقتصادی، شرایط دشوار زندگی، نارضایتی زوجین از یکدیگر، خیانت و... نهاد خانواده را نسبت به گذشته شکننده کرده است.

در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها جهت حفظ آبرو و برداری، ترس از طلاق، ترس از انگ اجتماعی، ترس از فشار اجتماعی و ترس از سرنش‌های نزدیکان، آشنایان و افراد جامعه (بویژه زنان نسبت به مردان) را مجبور کرده تا

به‌طور طبیعی خشونت‌ها و آزارها ناروایی که باشند در تمام جهان، جملات در کشور ما وجود دارد. مهمانان در سراسر جهان همچنین کشور ما نشان می‌دهد خشونت علیه زنان نسبت به مردان در رتبه بالاتری قرار دارد. به نظر می‌رسد هنوز هم نگرش مردسالارانه، تجربه و مشاهده خشونت، نظام اجتماعی سنتی و نبود منابع قدرت، تعصب قومی، جنسیتی، پایان‌یافتن بون سطح سواد، اعتیاد، بیکاری، نابرابری جنسیتی، سوءتفاهم، شکلات اقتصادی فقر معیشتی، فقر فرهنگی و پایین آمدن

از آن آسیب هیچ جایی برای گذران زندگی نداشتند و از سوزی دیگر نمی‌خواستند ب یک مکان دیگر به‌طور مشترک در یک مکان زندگی کنند. اوطولیان زندگی موقت در «خانه‌های امن» محسوب می‌شوند. مطابق با دستورالعمل سازمان بهزیستی از چند روز تا یک ماه می‌توانند در «خانه امن» زندگی کنند و اگر تیم تخصصی تشخیص دهد که شرایط برای بازگشت این فرد به خانواده فراهم نیست و ممکن است منجر به همراه فرزند، آسیب جسمی و روانی نداشته باشند، دوره تمدید خواهد شد.